

خبر اعلام جرم دادستان تالش علیه معاون عمرانی استاندار گیلان

گیلان امروز– امروز اخباری در برخی پایگاه‌های خبری استان با این مضمون که «پیرو مکاتبات و دخالت‌های غیرقانونی موسی فکور، معاون عمرانی استانداری گیلان در خصوص جلسات شورای شهر تالش که منجر به ترک جلسه سه عضو شورای شهر تالش شد دادستان تالش در اقدامی شجاعانه و قابل تحسین رسماً از فکور به اتهام جلوگیری از اجرای دستور قضایی و تضییع حقوق عامه اعلام جرم کرد» منتشر شد، دادستان تالش مصاحبه را به زمان دیگری موکول کرد اما معاون عمرانی استانداری گیلان که بر علیه‌اش اعلام جرم شده توضیحاتی در خصوص جزئیات این موضوع ارائه کرد.

موسی فکور در گفت‌وگو با ایسنا در خصوص اعلام جرم دادستانی تالش، اظهار کرد: هیئت رئیسه شورای تالش جلسه‌ای با حضور اعضا برگزار و با انجام رای‌گیری رئیس را انتخاب کردند، اما بعد از انتخاب رئیس، اعضای که مخالف گزینه انتخابی بودند صورتجلسه را امضا نکرده و جلسه را ترک کردند.

وی افزود: برابر قانون وقتی اعضا در جلسه حضور یابند و جلسه به صورت رسمی تشکیل و رای‌گیری انجام شود، آن جلسه قانونی است. در چنین شرایطی افرادی که جلسه را ترک کردند و صورتجلسه را امضا نکردند، مرتکب تخلف شده‌اند که باید بررسی‌های بیشتری انجام می‌گرفت.

معاون عمرانی استانداری گیلان گفت: پیرو این اتفاق جلسه‌ای با حضور اعضا هم در تالش و هم در استانداری برگزار شد و نتایج بررسی‌های کارشناسانه این بود که جلسه قانونی برگزار شده و انتخاب انجام شده هم درست بوده و بقیه اعضای هیئت رئیسه هم باید در جلسه بعدی انتخاب شوند.

فکور ادامه داد: اعلام جرم صورت گرفته با این عنوان بوده که فرآیند انجام گرفته را دخالت در امور دانسته‌اند و پرونده تشکیل شده، در حالیکه اقدامات انجام گرفته فرآیند و نظر کارشناسانه بوده و حتی طی دو نامه نظر کارشناسی را به فرماندار شهرستان اعلام کردیم. برابر قانون موظف هستیم در چنین مواردی به نماینده دستگاه اجرایی در شهرستان مشاوره دهیم و کار قانونی را ابلاغ کنیم که در این مورد هم انجام شد.

در آخرین تماس با دستگاه قضایی و پیگیری‌های انجام شده، صحت اعلام جرم توسط دادستانی تالش تأیید شد اما انجام مصاحبه تکمیلی در خصوص جزئیات این اعلام جرم علیه معاون عمرانی استانداری گیلان را به زمان دیگری موکول کردند که به محض انجام مصاحبه، خبر تکمیلی منتشر می‌شود.

.....●●●●●

افزایش جان باختگان مصرف مشروبات الکلی در رشت به هفت نفر

گیلان امروز– رئیس دانشگاه علوم پزشکی گیلان از افزایش شمار جان‌باختگان مصرف مشروبات الکلی رشت به هفت تن خبر داد و گفت: همچنان چهار بیمار بدحال در بخش مراقبت‌های ویژه بستری و تحت درمان هستند.

دکتر محمدتقی آشویی، از افزایش شمار مسمومیت با مشروبات الکلی (اتانول و متانول) در رشت خبر داد و اظهار کرد: تاکنون ۳۱ نفر با علائم ضعف، بی‌حالی، تازی دید، اضطراب و بی‌قراری به مراکز بیمارستانی رشت مراجعه کرده و بستری شده‌اند.

وی با بیان اینکه کادر درمان متخصص و ویژه درمان بیماران با مسمومیت الکلی در مرکز آموزشی و درمانی رازی رشت مستقر هستند، افزود: علیرغم تلاش همه جانبه کادر درمان و متخصص پزشکی قانونی و مسمومیت، تاکنون هفت تن از این مراجعان جان خود را از دست داده‌اند.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی گیلان با بیان اینکه ۹ تن از این بیماران بستری با حال عمومی خوب ترخیص شده‌اند، گفت: همچنان چهار بیمار بدحال در بخش مراقبت‌های ویژه بستری و تحت درمان هستند.

آشویی همچنین از بستری پنج بیمار در بخش مسمومیت و ۶ تن دیگر در بخش داخلی مرکز آموزشی درمانی رازی رشت خبر داد.

.....●●●●●

املش رکورددار ولادت در گیلان

گیلان امروز– مدیرکل ثبت احوال گیلان، از ثبت ۸۵۱۷ واقعه تولد در استان طی نیمه نخست امسال خبر داد و گفت: بیشترین افزایش ولادت مربوط به شهرستان املش است که شاهد افزایش ۹٫۲ درصدی ولادت‌ها در این شهرستان نسبت به مدت مشابه سال قبل هستیم.

امیر حسن‌زاد در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به آخرین آمار وقایع حیاتی ثبت شده دریافتی از مرکز رصد جمعیت استان گیلان، گفت: در نیمه نخست سال جاری، تعداد ۸۵۱۷ واقعه ولادت در استان گیلان به ثبت رسیده است.

وی از کاهش ۱۰ درصدی واقعه ولادت در مدت مذکور نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبر داد و افزود: تعداد ولادت ثبت شده شهری در این مدت برابر با ۶۷۲۲ رویداد و تعداد ولادت روستایی برابر با ۱۷۹۵ رویداد است.

مدیرکل ثبت احوال گیلان با بیان اینکه در ۶ ماهه نخست امسال ۱۳۵ واقعه مربوط به ولادت‌های دوقلو بوده است، خاطر‌نشان کرد: پنج واقعه ولادت سه قلو را نیز ثبت کردیم.

حسن‌زاد میانگین سن مادران در ولادت‌های ثبت شده را ۳۱٫۰۲ سال دانست و عنوان کرد: نرخ ولادت در نیمه نخست سال ۱۴۰۳ برابر ۶۶ در هزار بوده؛ بطوریکه در مدت مشابه سال قبل، به ۷٫۳ در هزار رسیده بود.

وی بیشترین افزایش ولادت را مربوط به شهرستان املش دانست و تأکید کرد: شاهد افزایش ۹٫۳ درصدی ولادت‌ها در این شهرستان نسبت به مدت مشابه سال قبل هستیم.

مدیرکل ثبت احوال گیلان بیشترین کاهش ولادت را نیز مربوط به شهرستان رودبار دانست و بیان کرد: کاهش ولادت‌ها در شهرستان رودبار نسبت به ۶ ماهه سال گذشته ۲۱٫۳ درصد بوده است.

وی نسبت جنسیتی حاصل از ثبت ولادت در نیمه نخست سال جاری را ۱۰۵ دانست و گفت: در مقابل ۱۰۰ واقعه ولادت ثبت شده دختر، حدود ۱۰۵ ولادت پسر به ثبت رسیده است؛ البته این شاخص در سال قبل ۱۰۸ بود.

{گیلان}

خانهٔ فکسنی پدربزرگ

آدرس‌های غلط پیرامون گردشگری انبوه در گیلان



فرهنگ جدانشدنی بود یعنی حس خوب داشتن داجا (ویلا) لازمه زندگی امروزه شده است.

بنابراین آن روستایی که اگر روزی در دهه ۶۰ الی ۷۰ وی را در تهران می‌دیدى و از زادگاهش می‌پرسیدی به اکراه از نام روستایش نام می‌برد و حتی اگر اهل یکی‌از روستاهای دورافتاده مناطق کوهستانی شرق گیلان می‌بود می‌گفت لاهیجان، مسئله تغییر کرد.

عار بودن اهل روستا بودن در زمانی در دهه ۶۰ و ۷۰ به گونه‌ای بود که بسیاری پسوند‌های مکانی نام خانوادگی خود را حذف می‌کردند. البته مصایب عار بودن روستای بودن برای برخی، به اینجا ختم نمی‌شد. برای بسیاری از مهاجرین **گیلاتی** و ساکنین **گیلاتی** تهران، قانع کردن فرزندان برای سفر به شمال همیشه با چالشی مستمر بود و خانه فکسنی پدربزرگ، بوی دام، بی‌برقی و بی‌امکاناتی چیزی نبود که دلیل قانع‌کننده‌ای برای رفتن از بهشتی که در آن زمان به‌عنوان تهران به روستا یا کلبه‌ای دوردست که حتی راه آسفالتی نداشت با کمترین امکانات نبود.

ذائقه و مد، نقش مهمی در زندگی دارد همان خانه‌ها و کلبه‌های نامطلوب برای نسل جوان امروزی تبدیل شده به ویلای ما در شمال! و علاقه به سفر در آن‌ها حتی از والدینشان پیشی می‌گیرد. تلفیق این شرایط باعث شده امروزه بسیاری از خانواده‌های دورمانده **گیلاتی** یا در منازل والدین فوت شده خود و یا ویلای در روی زمین و شاید در حیاط خانه پدری را برای خود فراهم کنند. خانه‌های دوم یا ویلا، منظره غالب تمامی آبادی‌های گیلان از ساحل تا کوهستان است. هر کس به سبکی. بنابراین این **گیلاتیان** بازنشسته، فرزندانشان، یا اقوام ساکنین فعلی گیلان که برادر و خواهری در تهران دارند. در بسیاری از آخر هفته‌ها و تعطیلات به گیلان می‌آیند. **گیلاتیانی** دور مانده و البته به‌عنوان ساکن دائمی یا نیمه دائمی فعلی با پلاکی غیربومی. آیا این جمعیت کم است؟ بدون شک نه.

افزایش قابل توجه خانه‌های دوم در آبادی‌ها گواهی بر این مسئله است و برگشت این خیل عظیم **گیلاتیان** مهاجر در پس چند دهه مهاجرت، عددی قابل توجه محسوب می‌شود. الگو و ذائقه مردم در مسافرت به استان‌های جنوبی دریای کاسپین تغییر کرده است. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، شمال بود و دریا و به شکل مشخص در گیلان، انزلی گل سرسید گردشگری گیلان بود و در نهایت با اندکی ارفاق ساحل چمخاله.

گردشگری گیلان تا چند دهه به ویژه ۴۰، ۵۰، ۶۰ و ۷۰، دریا محور بود. اما در دهه ۹۰ شمسی و به‌ویژه این روزهای گیلان، کوهستانی و جنگل، مظهر و مقصد گردشگری است اسامی فراگیر این روزها نه سواحل معروف گیلان، بلکه، اولسه بلندگاه، دیلمان، هالی دشت و اشکۆز... است.

از فلات کنده و ساکن جلگه

در این بین گیلان ساکنینی دیگر نیز دارد که شاید بیشتر در رسانه‌ها به آن پرداخته شده است. بخشی از مردم ایران که به دلایل شرایط نامطلوب فعلی بخش قابل توجه‌ای از سکونگاه‌های ایران و آینده‌ای نامبهم که درگیر مشکلات حل نشده دیرپایی چون الودگی نفس‌بر، خشک‌سالی، گردوخاک، فرونشست و ... است. اینان یا به نام مهاجران آب‌هوایی یا محیط‌زیستی، به هر نامی بیش از یک دهه است که جز ساکنین فعلی استان‌های شمالی هستند به قدری که برخی شهرک‌های خود را داشته که یک دست از مهاجرین شکل گرفته یا در برخی روستاها به‌دلیل از بین رفتن جامعه بومی در اثر کهولت سن و مهاجرت دیگری کمتر بومی‌ای باقی مانده‌است.

شاید دقیق‌ترین آمار ایشان که البته کامل هم نمی‌تواند باشد جمعیت ۸۰۰ هزارنفری مهاجرین به استان مازندران باشد. که در مقایسه با جمعیت سه الی چهار میلیونی آن عددی قابل توجه است.

بنابراین با همین ارقام هم استان‌های شمال ایران به‌ویژه گیلان و مازندران هم اینک جمعیت قابل توجه‌ای از ساکنین و بومیانی با پلاک غیربومی دارد که الزاما همیشه ساکن اینجا نیستند و به شهر و دیار خود رفت وآمد هم

نان در ایران، ارزاترین نان در دنیا اما...

تولید محصولات اساسی نظیر گندم و برنج، باعث مناقشه میان این کشور و آمریکا در سال‌های اخیر شده است. چنانکه دولت آمریکا در اعتراض به وضعیت پرداخت یارانه این محصولات در چین به سازمان تجارت جهانی شکایت کرده است. بر اساس اعلام مقامات آمریکایی، پرداخت یارانه به تولیدکنندگان گندم در چین باعث کاهش صادرات این محصول به کشور چین و خسارات فراوان به کشاورزان آمریکایی شده و بر خلاف سیاست‌های تجارت آزاد WTO است. سازمان تجارت جهانی نیز اخیرا در تأیید اعتراض دولت آمریکا اعلام کرده است: حمایت‌های دولت چین از تولید محصولاتی نظیر گندم و برنج بیش از استانداردهای این سازمان است و دولت این کشور باید برای کاهش سلخ حمایت‌های خود اقدام کند.

به طور تاریخی امنیت غذایی همیشه اولویت اصلی رهبران چین بوده است و این برای نسل کنونی مستثنی نیست و برای آنها به عنوان «وظیفه ابدی» میراثی باقی مانده تلقی می‌شود. پکن امنیت غذایی را به عنوان تعادل نسبی در تقاضای داخلی و عرضه غلات تعریف می‌کند. بنابراین، سیاست‌های امنیت غذایی چین که اخیرا اعلام شده، برای محافظت از زمین‌های کشاورزی چین، تسریع توسعه و تجاری‌سازی بذرهای اصلاح‌شده ژنتیکی در چین و اطمینان از حفظ تولید کشاورزان چینی و همچنین دستاوردهای بیشتر در بازدهی و بهره‌وری تولید گندم، برنج، ذرت و سویا طراحی شده است. در سال ۲۰۱۵، دولت طیفی از کالاهای تحت پوشش را گسترش داد و

کیان انبوهی از این افراد که پلاک‌های غیر بومی دارند در همراهی با مسافرنی که به‌دلیل جذابیت‌های منطقه به آن مسافرت می‌کنند عملا ترکیب ناهمگنی در گردشگری انبوه به منطقه فراهم می‌کند.

انبوه ساختمان‌های موجود در شهرهای مختلف ازجمله لاهیجان، رشت و ... ساختمان‌های خالی و خریده شده نشان از جمعیت ساکنینی دارند که در برخی از سال در این مکان‌ها جزء ساکنین استان هستند.

کمتر کوچه و خیابان و محلی در این شهرهای کوچک و قدیمی استان‌های شمالی چنین صحنه‌ای دیده نمی‌شود. شهرهایی که برای همان جمعیت سابق و کم خود، بستر مناسبی نداشتند، و ظرفیت خدمات رسانی محدودی داشتند. بنابراین برای چنین شهرهایی با مشکلات باقی مانده از گذشته و ناتوان در خدمات‌رسانی به همان جمعیت بومی با رشد منطقی، بار مهاجرت معکوس و آب‌هوایی، چالش‌برانگیز است.

بنابراین ما بدون مسافر هم دچار چالش هستیم. چالش پسماند، چالش فاضلاب، برق گاز و غیره. حال اگر در موارد خاص که الگوی تکراری و رفتار گردشگری عمدهٔ ایرانیان از گذشته بوده و آن سفر در عید و آخر شهریور شلوغی‌ها، دوچندان می‌شود، داستان دیگری است.

نمونه این نبود امکانات حتی برای مسافره‌ای با عدد مطابق با ظرفیت بُرد، مسئله پرتنگ شدن رفع حاجت مسافران در کنار خیابان است. اگر امروز عکس رفع حاجت چند مسافر واپرال شده و گیلان را هندوستان جدید می‌دانند سوال این است مگر چند سرویس بهداشتی در چند سال اخیر به سرویس‌های مستهلک و درمانده قبلی اضافه شده که از این مسئله ناالان هستیم؟ چند تور لاهیجان‌گردی در بافت تاریخی شهر، درگیر دستشویی رفتن گردشگران‌شان هستند که تنها امیدشان سرویس‌های بهداشتی مساجد است که آن‌ها هم همیشه قفل!!!

مبدا؛ پرداخته....

تفکیک گردشگران و پیدا کردن آمار کسانی که صرفاً به قصد تفریح و تفرّج به منطقه می‌آیند شاید امری سخت و پُرابهام باشد. در همین شلوغی و هیاهوی پیرامون گرفتاری‌های این شلوغی، کسی به فکر این نیست که چرا همان مردم یعنی مسافران که صرفا برای تفریح و تفرّج به این منطقه به هر قیمتی و هرشکلی می‌آیند؟

رنج این سفر را به جان می‌خرند؟ اینکه ۲۰ درصد جمعیت ایران در آن‌سوی البرز در استان‌های تهران و البرز زندگی می‌کنند خود مهم‌ترین مسئله در این مسافرت‌های روزانه و هفتگی به شمال است. یعنی کافی است بخشی کوچکی از این جمعیت بخواهد که راهی استان‌های شمالی شود.

این که شرایط سخت اقتصادی تنها راه ارزان سفر کردن را برای والدینی که تحت فشار فرزندانشان برای سفر، مقصدی غیر از شمال فراهم نمی‌آورد هم یک سوی دیگر. در هرصورت برای یک خانواده در تهران که در چند روز تعطیلی، در زمانه‌ای که تنها تفریح رایج خوردن است، حتی ماندن در تهران با این نرخ تورم، مسئله‌ای گران محسوب می‌شود.

بنابراین باز به صرفه‌ترین راه مسافرت، رفتن به گوشه و کناری در شمال و گذراندن در دل طبیعت است نه ان هم در ویلا یا هتلی که گران است. خوب، حال که انگشت اتهام برای مسافران هم از سوی جامعه میزبان و هم از سوی دولت است سوال این است برای ماندن مردم در شهری مثل تهران چه اقدامات و جاذبه‌هایی ایجاد شده‌است؟

وقتی حتی از داشتن هوای سالم محروم هستند؟ وقتی برای هوای آلوده شهر تعطیل می‌شود و همه برای ماندن در شهر ترغیب می‌شوند، چه انتظاری از مردم برای ماندن است! از یک سو جاذبه‌ای در هوای خوب ماندن و از سویی نه مصلحتی در ماندن در هوای بد. صرف داشتن فضای سبز شهری در جامعه‌ای جوان با انواع ذائقه آن هم نام پارک‌هایی، نه وسوسه‌گر است نه کافی. سوال‌های زیادی پیرامون جذابیت‌های ماندن در مبدا است که از آن می‌گذریم. اما سوالی دیگر هم باید پاسخ داده شود. آیا دولت‌ها در ایران نگران مسئله گردشگری انبوه هستند؟

یا نه به هر انگیزه‌ای مایل به انجام آن. بگذارید مثالی بزنیم. دولت در ایران در گامی معقولانه نسبت به ایجاد شبکه از آزادراه مثل رشت-قزوین و تهران-چالوس اقدام کرده است که مورد اول به نسیه به ثمر رسیده است.

علاوه بر این در اقدامی جالب توجه راه آهن رشت-قزوین نیز به بهره برداری رسیده است. اگر تمام این اقدامات را برای تسهیل راه ارتباطی مردم استان‌های شمال با مرکز قلمداد کنیم و راحتی وصول مسافران به شمال ایران پس ایجاد و آماده‌سازی راه‌های مانند دیلمان-الموت، رحیم آباد-الموت و تنکابن-الموت نشان چیست؟

غیر از عزم دولت به بازگشایی کَردیدورهای جدید و تسهیل در سفر به استان‌های شمالی. بنابراین فعلا تا زمانی که درب بر چنین پاشنه‌ای می‌چرخد، یعنی بازگشایی هرچه بیشتر منافذ ورودی به‌سمت سواحل جنوبی کاسپین و سیاست دولت در ایجاد فرصت شغلی و فعل و انفعالات اقتصادی ناشی از گردشگردی و تاز زمانی که مردمان جنوب البرز، در زیر فشار اقتصادی ارزان‌ترین تفریح‌شان سفر باشد و آن هم سفرهای به سبک جدید خیابان‌مانی، داستان ما ادامه خواهد داشت.

دورنمای این راه اما، فرسودگی جغرافیای البرز و سرزمین‌های کرانه جنوبی کاسپین است. پتانسیل‌های این جغرافیا، تنها گردشگری نبوده و نیست، ما

به پای آن همه چیز خواهد سوخت ...

*** مدرس گردشگری**

^[1] گیلان امروز– امروز اخباری در برخی پایگاه‌های خبری استان با این مضمون که «پیرو مکاتبات و دخالت‌های غیرقانونی موسی فکور، معاون عمرانی استانداری گیلان در خصوص جلسات شورای شهر تالش که منجر به ترک جلسه سه عضو شورای شهر تالش شد دادستان تالش در اقدامی شجاعانه و قابل تحسین رسماً از فکور به اتهام جلوگیری از اجرای دستور قضایی و تضییع حقوق عامه اعلام جرم کرد» منتشر شد، دادستان تالش مصاحبه را به زمان دیگری موکول کرد اما معاون عمرانی استانداری گیلان که بر علیه‌اش اعلام جرم شده توضیحاتی در خصوص جزئیات این موضوع ارائه کرد